

گفتگو با عیامی معیری



شاهرخ احکامی

درباره سبک کار خود صحبت کنید!

من همیشه مدرنیسم را پیش گرفتم ولی همیشه در کارهایم زیبینه نقاشی ایرانی به چشم می خورد. به هویت فرهنگی هنرمند خیلی احترام می گذارم فرهنگ مادرست بر عکس فرهنگ غرب است. در شرق هرچه انسان متمدن تر می شد به تدریج خدا از او دورتر می شد تا به آسمان می رفت، در غرب هرچه تمدن بیشتر می شد خدا به انسان نزدیک تر می شد. مثلاً در یونان خدایان پایین آمدند و در قله المپ جمع شدند. پایه گرفتاری ما با غرب این است که دو طرز فکر و فلسفه متفاوت داریم. در ایرانی ها همیشه حالت درون گرانی است و در غرب حتی در دوره رنسانس سعی می شده خودش را به طبیعت برساند و شبیه طبیعت را بسازد. ولی در شرق طبیعت را می دیده و از آن لذت می برده و آن را با حس شخصی خود مخلوط می کرده و با الهام از طبیعت سمبولی را معرفی می کرده در حقیقت، حالت استعاره ای یا کنایه ای آن را استفاده می کرد. من تابع این مکتب هستم.

مینیاتور یعنی چه؟

مینیاتور کلمه ای است که غربی ها روی نقاشی ایرانی گذاشته اند و به عنوان طریف کاری و ریزه کاری گرفته می شود و چون نقاشی های مابیشنتر برای تصویر کتاب بود، غربی ها پس از آمدن به شرق و ایران و عثمانی آن را خریده و بردند و در مقایسه با نقاشی های بزرگ خودشان به آن مینیاتور گفتند، در حالی که در ایران به آن نقاشی می گفتند.

برای من غیرآشنا به این مسائل، مینیاتور یعنی صورت های کوچک و آدم های کوچک و به شکل چینی ها.

این به خاطر نقاشی کتابی است که همه چیز کوچک شده است، ولی در ایران نقاشی های بزرگ مثل نقاشی های چهل سنتون وجود دارد ولی شیوه همان شیوه است. در قبل از اسلام آثار مانوی به صورت نقاشی های دیواری و بزرگ و به همین تکنیک بوده.

یعنی می خواهید بگویید مینیاتور از چین به ایران و بعد از اسلام نیامده و قبل از اسلام هنر نقاشی به همین صورت بوده است.

را بطه مینیاتور با چین هیچ صحت ندارد. چون این شیوه مینیاتور امروز ایران بر می گردد به قرن سوم میلادی و با ظهور مانی و مانویت. چون خود مانی نقاش بود و بعد از نقاشی برای تبلیغ ائمین خودش استفاده می کرد که حتی در یکی از گفته هایش مانی

پرسان پرسان آدرس اورا گرفته و سوار مترو شدم و پس از عوض کردن دو خط وارد ایستگاه مورد نظر شدم و با چند دقیقه قدم زدن به کارگاه نقاشی استاد رسیدم. در محلی بسیار بزرگ و پر از فضا و آغشته از رنگ و بوی رنگ وارد کارگاه او شدم و وی را مشغول تدریس مینیاتور به شاگردی — تازه وارد به مینیاتور ایرانی و لی نقاشی ورزیده — ریزه کاری های مینیاتور را با صبر و حوصله بی نظیری یاد می داد. ترسیدم این سکوت مطلق و این آمیختگی و دلبستگی را بشکنم. سلامی دادم و در گوشه ای نشستم و به تماسای تابلوهای زیبای اویخته به دیوار و اعلامیه های نمایشگاه های متعددی که تا به حال کارهای بر جسته عباس معیری را نشان داده بودند، مشغول شدم. پس از اتمام تدریس با گرمی زیادی به سوی من آمد و با قیافه جذاب و گیرایش در کنار نشست.

۱۹۷۰ پس از بازی در نمایشنامه «ویس و رامین» نوشته خانم مهین تجدد و به کارگردانی آوانسیان در ایران به فرانسه آمد. مدتها در آثار قدیمی ایران و تدریس مینیاتور کار کرد. بعد از مدتی توقف در ۱۹۷۳ در نمایشگاه بین المللی نیس با نمایش دو تابلو برنده جایزه دوم شد و پس از آن تشویق شد و در نمایشگاه های متعددی شرکت جست. در سال ۱۹۷۶ در گالری فرانسو دوالمبروز در Rue Mouffard کارهای خود را به نمایش گذاشت. پس از آن در نمایشگاه های مختلفی شرکت کرد.

در ایران، از کودکی به نقاشی علاقه داشت. در ۱۲-۱۳ سالگی شاگرد استاد آشتیانی شاگرد کمال الملک) شد و توسط دایی مادرش، استاد پورادو به نزد استاد بهزاد رفت و شاگرد او شد و در دوران هنرستان و دانشکده هنرهای تزیینی در رشته مجسمه سازی شاگرد داول شد. در همان زمان، استاد حسین بهزاد فوت کرد و آقای پهله‌بند و زیر فرهنگ و هنر از او خواست تا کلاس بهزاد را در هنرستان هنرهای زیبا تدریس کند و پس از سه سال در اوخر دسامبر ۱۹۷۷ به فرانسه آمد.

معیری می گوید: به طور موازی در همان زمان که دانشجوی هنرهای زیبا بودم، فریدون رهنما، استاد استتیک، از من خواست در فیلم سیاوش در تخت جمشید، نقش سیاوش را بازی کنم. من هیچگاه تئاتر را مثل نقاشی جدی نگرفته بودم، ولی پس از این فیلم در چند تئاتر منجمله در فستیوال بین المللی جشن و هنر بازی کردم در تئاتر «اوژن یونسکو» به کارگردانی بهمن مخصوص بازی کردم. در تئاتر «او دیپ شهربار» به کارگردانی ایرج انور و بسیاری تئاترهای دیگر بازی کردم.

معیری در کنسرت های زیادی در پاریس با جمشید شمیرانی و سایر هنرمندان سه تار می زد. ولی با همه این کارهای زیبا، نقاشی برایش مهمترین آنها بوده و در سال ۱۹۷۳ اولین نقاشی اش در مجله معروف Art d'Amateur منتشر شد و آن نقاشی فعلاً در ایتالیاست. این اثر، تابلوی Attente یا «انتظار» در کتاب کلکسیونرهای و هنر خوب قبل از راه انداختن نمایشگاه شخصی نقاشی هایش چاپ شد.

از صفویه از بین رفته که به اندازه های طبیعی بوده اند.

نقاشی ایرانی مثل اینکه آب و آتش را باید قاطی یکنید به صورت معمولی نقاشی ایرانی یک نقاشی مدرن است. همان ماتیس در کارهایش می گفته من از نقاشی ایرانی الهام گرفته ام و نقاشی ایرانی نقش مؤثری در مدرنیسم نقاشی اروپایی داشته است.

سبک فعلی نقاشی شما در چه زمینه است؟

من سعی می کنم در نقاشی ام از هویت ایرانی الهام بگیرم با اینکه مدرنیسم در کارم آورده ام هویت ایرانی و قراردادهای اصیل ایرانی را در کارهایم حفظ کرده ام. مینیاتور ایرانی راهم حتی الامکان سعی می کنم اگر نمی توانم بهترش کنم خرا برترش نکنم.

شما قسمت اعظم وقت خودتان را هم در کار آموزش جوانان علاوه بر نقاشی ایرانی صرف می کنید. به نظرم با این اقدام مهم بتوانید هنر ایرانی را در اروپا نزد جوانان دورافتاده از ایران حفظ کرده و سینه به سینه منتقل کنید.

من پس از ۱۸ سال مطالعه عمیق روی کتب خطی و مصور ایرانی در موزه ها و خصوصاً کتابخانه ملی فرانسه (مدت ۲ سال شبانه روز) تحقیق، تصمیم گرفتم به آموزش هنرجویان در آتلیه شخصی خودم، بعد همزمان مؤسسه ای در پاریس به وجود آمد که این مؤسسه تحت حمایت و ریاست

ژاک شیراک که در آن زمان شهردار پاریس بود اداره می شد. در آن زمان آتلیه هایی تأسیس گردید. برای نجات و حفظ هنرهایی که در حال از بین رفتن بودند. برای مینیاتور ایرانی به سراغ من آمدند و پس از اطلاعات زیادی درباره من، از من خواستند کلاس مینیاتوری را دایر نمایم. این کلاس را در یک آتلیه درست کردم و بعد در آتلیه دیگری به اسم Space Amorc مینیاتور اتدریس

دنیای بهشتی و بی وزنی را بهمین جهت اکثر آدم های این نقاشی ها پایشان محکم روی زمین نیست و حالت شناور و ملکوتی دارند.

چون اساس مینیاتور یک ریشه معنوی و فلسفی دارد. مثلاً زمان در این نوع نقاشی وجود ندارد. همه جای نقاشی پر از نور است یعنی رنگ طلایی و نقره ای. به همان اندازه به کار می رود که زمان مانی به کار می رفت (طلا نشانه نور و روز و نقره نشانه آب است که در بیشتر نقاشی ها، به

می گوید که کاری که من کرده ام سایر برادرانم (پیامبران) نکرده اند یعنی من نقاشی کرده ام. «چون همه رسولان، برادران من که قبل از من آمده اند (نوشتند تعليمات خود را، چنانکه من مال خود را نوشتم و نه نقاشی کردم مال خود را» (گرفته شده از کتاب کفالایا، فصل ۱۵۴، بند ۲، از کتاب مانی و تعليمات او، گووید درن، ترجمه دکتر نزهت صفای اصفهانی) و مانی بیشتر برای تبلیغ کارهای خود از نقاشی استفاده می کرده است و

در واقع متون مذهبی خود را با نقاشی قاطی کرده بوده است.

چه موقعی نقاشی مینیاتور اندازه های طبیعی انسانها و حیوانها را گرفت؟

قبل از جواب به این سؤال ناچار توضیح دهم که بعد از از بین رفتن مانی و رانده شدن هودارانش از ایران، آنها به آسیای مرکزی فرار کردند که تحت حکومت سلاطین الغور (چین مسلمان) سلاطین ترک نزدی که خود نیز مانوی شده بودند، رفتند. در آثاری که در ۱۹۱۰ در سورخان در کویر گویی، باستان شناسان روسی و آلمانی و فرانسوی پیدا کردند، مثل Fonlecoq آثار نقاشی روی پوست را پیدا کردند و مقداری در موزه ای در آلمان جمع شد که بخش عظیمی در جنگ جهانی دوم بسیاران شد، ولی برخی از آنها باقی ماند و در کتابی چاپ شده است. این نقاشی ها، خیلی شبیه به مینیاتور نقاشی ایرانی بعد از اسلام است.

یعنی از نظر تکنیک و رنگ ها خیلی شبیه بودند. این آثار و هنرمندان بعد از حمله

مغول به ایران بر می گردند، به این جهت قیافه های نقاشی آن زمان شبیه چنینی هاست. از طرف دیگر تمام حکام مغول و نیموری قیافه نژاد زرد را دارند. بنابراین نقاش ها تصاویری به آن شکل می کشیدند. ولی این نقاشی فقط اختصاص به ایران و ایرانی ها دارد. در آئین مانویت، نقاش دنیای پنهان را مجسم می کرد (یعنی بهشت)، نه دنیای مادی را و سعی می کرد همه چیز را در نقاشی به کمال برساند. یعنی



Abbas Shiloayeri
Paris 1992

بیش از پیش تاریخ ایران را بخوانید چون همیشه گذشته چراغ راه آینده است، و هرگز فراموش نکنند ادبی و فلاسفه و شعرایی که در راه عظمت ایران زحمت کشیده اند، نوشته ها و آثارشان را مطالعه کنند چون بیشتر همت آنها در راه انسان دوستی و صلح و آزادی و برابری بوده است. آنها را بخوانند و آن را توسعه دهند.

به قول حافظ:

ملک آزادگی و گنج قناعت گنجی است
که به شمشیر میسر نشود سلطان را

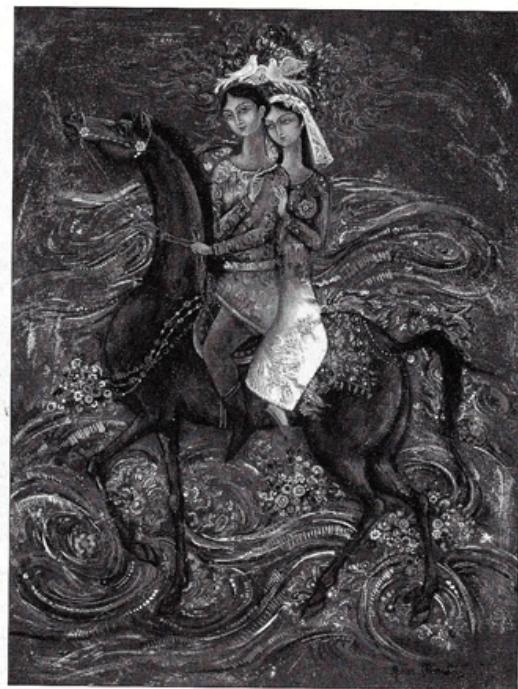
در بعضی کارهایتان از حاشیه بیرون
رفته اید؟

زندگی آسمانی و زمینی را نشان می دهد. یعنی نقاشی از کادر زندگی خویش پا فراتر نهاده و به آن سوی زندگی گذر می کند، Vie celeste et la vie terrestre زندگی آسمانی و زمینی. در نقاشی هایم هر کسی در حال زندگی خودش است بدون آنکه به زندگی دیگری کار داشته باشد. ■

از سبک های نقاشی خود سخن بگویید.

احساس کارم همان Compositi ایرانی و سمبلولیسم نقاشی ایرانی را برخوردار باشد همان حالت استعاره ای یا کنایه ای (سمبلولیسم) رعایت می شود. یک دوره ای بود که حالت هندسی و زئومتریک داشت و حالا خیلی آزادتر شده است ولی سعی می کنم توى رنگها و حالات آن، ایرانی بودن آن را حفظ کنم، در الهام من می تواند هم نقاشی مینیاتور هم نقاشی دوره قاجار و یک نقاشی دوره قوه خانه باشد. و بیشتر سعی می کنم ذهنیت را در کارم دخالت دهم تا تقليد از طبیعت را.

سه مرحله کار نقاشی را قید کردید. مینیاتور، قاجار، و قوه خانه. تفاوت آنها چیست؟

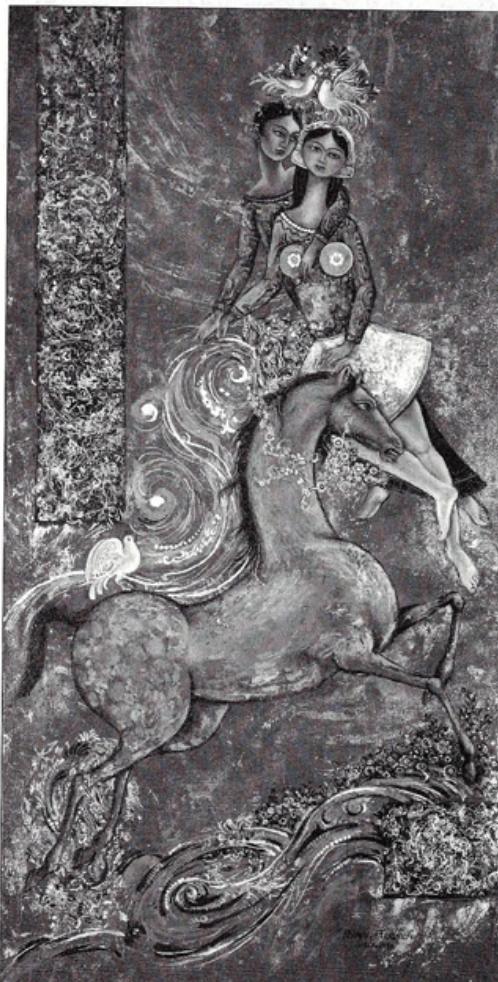


در این سه مرحله، هنر ایران در هیچ زمانی قطع نشده است. انقلاب، تغییر حکومت و رژیم، تأثیری در هنر نکرده و هنر همان جور راه خود را پیموده است. و آنچه که مهم است اصالت هنری است علیرغم مدد و از مد افتادن، مدد روز مرا زیاد جلب و جذب نکرده خطی را گرفته و آن را ادامه می دهم.

یک هنرمند واقعی کیست؟

اولین چیزی که برای هنرمند مهم است ارزش انسانی و انسانها و انسانیت است و باید آزادی فکری و اندیشه خود را همیشه حفظ کند و خود و هنرشن را به آسانی نفوشود. هنرمند یا بایستی دلقلک و چالپوس و خودفروش باشد و یا راه دیگری ندارد. من همیشه ترجیح داده ام مستقل باشم و آزاد فکر کنم و آزاد قلم بزنم. با هنر و فرهنگ و شعر و موسیقی است که می توان جامعه ای را آزاد کرد. به دوستی گفتم که سه تار من از هزار مسلسل تأثیرش در جامعه ای تنگ و فشرده مؤثرتر است.

چه پیغامی به نسل جوان و دور افتاده از ایران دارید؟



کردم. در آتلیه های شهر پاریس و وزارت فرهنگ فرانسه کار تعلیم مینیاتور را ادامه می دهم و خیلی استقبال شده است. اروپایی ها نقاشی ایرانی را می شناسند و با فرهنگ ایرانی سرو کار دارند. آنچه را که امروزه در ایران به عنوان مینیاتور شناخته می شده است، اروپایی ها دوست ندارند. آنها به آثار اصیل مینیاتور قدیمی ایران که در کتاب شاهنامه و دوره های هرات و صفویه وجود دار، علاقمند هستند و تغییرات بازاری مینیاتور جدید ایران را به سهوت شناخته ورد می کنند.

شاگرد های داشتم که نقاش و معمار و جزو طبقات روش نظر فرانسه هستند که می آیند و کارهای جالبی کرده و می کنند.

از شاگرد های زیادی که داشته اید تا به حال کسی به شهرت رسیده است؟

من در یکی از آتلیه ها، در حال حاضر ۵۰ شاگرد فرانسوی دارم. یک دانشجوی زبانی، سه لیبانی و خانمی از آمریکا فقط برای دیدن کلاس من می آیند و نقاشان حرفه ای و معروفی هستند.

ایرانی ها در کارهای علمی، تجاري و فنی شهرت زیادی یافته اند. چر در این کارهای تابه حال به شهرت بین المللی و موزه ای نرسیده اند؟

به حال در حال تلاش زیادی هستند و هستیم و بروزی در صحنه جهانی به آن مراحل خواهند رسید.